

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جان راس  
برگردان: علی اورنگ  
۱۴ سپتمبر ۲۰۲۳

## با اخبار مربوط به "فروپاشی اقتصاد چین" چه باید کرد؟



ظاهراً، بر طبق تحلیل بلومبرگ، میانگین رشد سالانه ۴.۵ در صد چین در چهار سال گذشته از یک بحران شدید اقتصادی حکایت می کند، در حالی که گویا رشد ۱.۸ در صد امریکا، و رشد ۰.۱ درصد انگلستان، رشد قوی محسوب می شوند. لفاظی های مشابه، به دور از همه واقعیت های عینی، فایننشال تایمز، اکونومیست، یا وال استریت ژورنال را فراگرفته است

\*\*\*\*\*

در چهار سال گذشته، شامل دوران پاندمی کووید، اقتصاد چین ۲.۵ بار سریعتر از اقتصاد امریکا، ۱۵ بار سریعتر از فرانسه، ۲۳ بار سریعتر از جاپان، ۴۵ بار سریعتر از المان، و ۴۸۰ بار سریعتر از انگلستان رشد کرده است. در مقایسه با کشورهای کوچکتر گروه هفت، چین چهار بار سریعتر از کانادا و ۱۱ بار سریعتر از ایتالیا رشد کرده است.

عملکرد چین نسبت به کشورهای پیشرفته سرمایه داری از نظر سرانه حتی بیشتر است – و این هنوز یک مقیاس بهتر برای تغییرات بهره وری و پتانسیل ستندردهای زندگی در حال توسعه می باشد. تولید ناخالص داخلی سرانه چین سه برابر امریکا، پنج برابر ایتالیا، ۴۴ برابر جاپان یا فرانسه، ۲۶۰ برابر انگلستان رشد کرد- در حالی که تولید ناخالص داخلی سرانه المان و کانادا پائین آمد.

عملکرد بهتر چین در مقابل کشورهای سرمایه داری در حال توسعه همان الگو را نشان می دهد - میانگین سالانه رشد سرانه ۴.۴ درصد تولید ناخالص داخلی چین با ۲.۶ درصد هندوستان، ۱.۳ درصد برزیل، ۰.۹ درصد افریقای جنوبی قابل مقایسه است.

آنچه که در مورد چنین رشد اقتصادی اهمیت دارد، البته، آمار مجرد نیست بلکه معنای آن برای زندگی واقعی مردم عادی است.

داده های سازمان بین المللی کار در مورد دستمزدهای واقعی، با تورم تعدیل شده، نشان می دهد که بر مبنای آخرین داده های موجود - برای بیشتر کشورها تا ۲۰۲۲ و برای هندوستان تا ۲۰۲۱ - رشد دستمزد واقعی سالانه چین ۴.۷ درصد بود.

برای انگلستان رشد دستمزد واقعی ۱. در صد بود، برای امریکا ۳. در صد بود، در فرانسه منهای ۴. در صد بود، در المان منهای ۷. در صد و در هندوستان ۱.۳ در صد بود .

با توجه به عملکرد اقتصادی به مراتب بهتر چین نسبت به کشورهای سرمایه داری، هر صحبت معقولی که در رسانه های جریان اصلی در مورد وضعیت اقتصاد بین الملل صورت بگیرد باید این باشد که، «چرا اقتصاد چین عملکرد بسیار بهتری از اقتصاد امریکا و بقیه جهان سرمایه داری دارد؟» و «چه درس هایی وجود دارند که از اقتصاد چین سوسیالیست[!!] می توان آموخت که تا این حد از غرب پیشی می گیرد؟»

برای چپ، موضوعی که نیاز به ارزیابی و عمومیت دادن دارد این است که: «چرا دستمزدهای واقعی چین ۱۸ برابر امریکا، ۴۴ برابر انگلستان در حال افزایش است، در حالی که در فرانسه، المان یا هندوستان دستمزدهای واقعی در حال پائین آمدن هستند؟»

در واقع، این نویسنده معتقد است که تأکید خیلی بیشتری باید روی نکته آخر کرد. چپ بین الملل در حال درک این موضوع است که چگونه چین در عرض چهار سال ۸۵۰ میلیون نفر را از فقری که بانک جهانی آن را تعریف می کند بیرون آورده است - یعنی تاکنون بزرگترین دستاورد کاهش فقر در تاریخ انسان.

اما هنوز این کاملاً درک نشده است که به چه سرعتی نه فقط فقیرترین ستمدادهای زندگی بلکه میانگین ستمدادهای زندگی در چین در حال افزایش هستند - به مراتب سریعتر از همه کشورهای غربی.

اما، البته، این وضعیت اقتصادی را در رسانه های جریان اصلی نمی توان به بحث گذاشت، چرا که نتایجش برای سرمایه داری غرب بسیار مضر خواهد بود .

به جای آن، یک نوعی از بحثی دیوانه وار در حال شکل گیری است، ادعاهای امریکا در باره اقتصاد چین به طور فزاینده ای عجیب و غریب می شود - شاید بتوان گفت آشفته - در شرایطی که آن ها از واقعیت دورتر و دورتر می شوند .

رئیس جمهور جو بایدن، برای مثال، اخیراً در یک سخنرانی ادعا کرد که نرخ رشد اقتصادی چین "حدود ۲ در صد" است در حالی که ۵.۵ درصد در نیمه اول امسال بود، همانطور که قبلاً مطرح شد، اقتصاد چین دو برابر و نیم اقتصاد امریکا در حال رشد است.

بایدن به طور عجیبی ادعا کرد که در چین «تعداد مردمی که در سن بازنشستگی اند بیشتر از آنهایی است که در سن اشتغال هستند» - کاملاً غلط، و نادرستی آن یک رقم چندین صد میلیون نفری می باشد .

بحثهای رسانه‌های مالی هم مواجه شدن با حقایق را رد می‌کند. چون من یک اقتصاد دان هستم، هر روز صبح، بعد از نظری به اخبار کلی، به تلویزیون بلومبرگ برای آخرین داده‌های اقتصادی روی می‌آورم. مثل کتاب آلیس در آن سوی آئینه، قاعده کلی بحثها بر این اصل است که در مقایسه با جهان واقعی همه چیز وارونه است.

ظاهراً، بر طبق تحلیل بلومبرگ، میانگین رشد سالانه ۴.۵ در صد چین در چهار سال گذشته از یک بحران شدید اقتصادی حکایت می‌کند، در حالی که گویا رشد ۱.۸ در صد امریکا، و رشد ۰.۱ درصد انگلستان، رشد قوی محسوب می‌شوند. لفاظی‌های مشابه، به دور از همه واقیعت‌های عینی، فایننشال تایمز، اکونومیست، یا وال استریت ژورنال را فراگرفته است.

چپ با چنین دروغ‌های سیاسی آشنائی کامل دارد – ادعای کاملاً جعلی که کشتی‌های ویتنام شمالی به شناورهای امریکائی در خلیج تونکین در ۴ اگست ۱۹۶۴ حمله کردند، توجیهی بود برای آغاز جنگ ویتنام، یا ادعای نادرستی که عراق سلاح‌های کشتار جمعی داشت، جنگ عراق را توجیه کرد. اینها مثال‌های کلاسیک بودند.

امروز، امریکا به طور سیستماتیک در باره وضعیت چین و اقتصاد خودش دروغ می‌گوید چرا که برای سرمایه‌داری امریکا بسیار مهم است که شهروندان خودش، و متحدین نزدیکش را از درک روندهای واقعی اقتصادی منع کند.

این گواه بیشتری است بر این که، اگر واقعاً نیازی به آن باشد، اگر دنیای واقعی و تئوری با هم منطبق نباشند فقط دو گزینه وجود دارد. گزینش اول رها کردن تئوری است و دیگری رها کردن دنیای واقعی.

در این مورد، تئوری این است که امریکا، چون سرمایه‌داری است، باید عملکرد بهتری از چین سوسیالیست داشته باشد. و دنیای واقعی کارائی اقتصادی واقعاً موجود است – که در آن چین به عملکرد به مراتب بهتر خود در مقایسه با امریکا و دیگر کشورهای سرمایه‌داری ادامه می‌دهد.

از آنجا که امریکا قادر به ترک تئوری خودش نیست بنابراین مجبور است که دنیای واقعی را ترک کند – بنابراین انکار جنون آمیز کارائی اقتصادی مقایسه‌ای که در ابتدای این مقاله به آن اشاره شد را شاهد هستیم.

در حالی که چپ باید انتظار این دروغ‌های شرم‌آور را از سرمایه‌داری داشته باشد، بخش‌هایی از چپ این مهملات را تکرار می‌کنند – ظاهراً با این اعتقاد که اگر آنها تحلیل‌هایی را که از نشریات غربی گرفته شده است را با به کارگیری عبارات چپ دوباره تکرار کنند می‌توان آن را تفسیر “سوسیالیستی” قلمداد کرد.

برای مثال، یک مقاله‌ای در نیو لفت ریویو – ساییدکار (New Left Review’s Sidecar) چین را یک “کشور زامبی” خطاب کرد. عجب زامبی که رشد اقتصادش از ۲.۵ تا ۴۸۰ برابر رشد تمام کشورهای عمده سرمایه‌داری است.

داده‌های موجود نشان می‌دهد که واقیعت ساده است. رشد چین در چهل سال گذشته به مراتب بالاتر از اقتصاد سرمایه‌داری غربی بوده است. و برتری رشدش ادامه دارد.

نتیجه آن در چین سریعترین خیز در ستندردهای زندگی می‌باشد – نه تنها برای فقیرترین‌ها بلکه برای مجموع میانگین جمعیت. این به عنوان مزیت عملی سوسیالیسم[!!] شناخته می‌شود. آن یک واقیعت است. البته ما می‌دانیم که چرا امریکا مجبور است که دروغ‌های بزرگ بسازد. ولی هیچ توجیهی برای بخش‌هایی از چپ برای تکرار آن دروغ‌ها وجود ندارد.

منبع: مانتلی ریویو آنلاین

[The news is full of headlines about ‘China’s economic collapse’ — ignore them](#)

درباره جان راس

جان راس مربی ارشد در مؤسسه مطالعات امور مالی چونگ یانگ، دانشگاه رنمین چین است. او قبلاً رئیس برنامه اقتصادی برای شهردار لندن بود.